

# آینه پژوهش

سال سی و ششم، شماره چهارم  
مهر و آبان ۱۴۰۴  
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و  
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۴

۲۱۴  
دوماهنامه  
آینه پژوهش

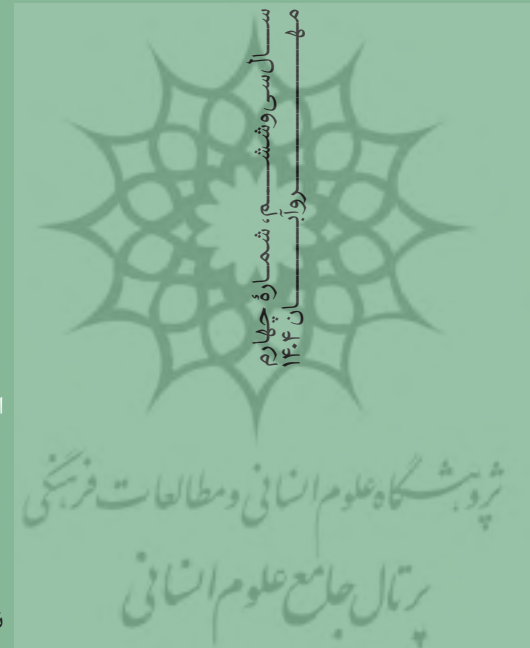
## Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.36, No.4 Oct - Nov 2025

A bi-monthly journal exclusively  
review & information dissemination

# 214

dedicated to book critique, book  
in the field of Islamic culture



ابلیا گرشویج / سید احمد رضا قائم مقامی | رسول جعفریان | سید علی میرافضلی | فاطمه شاملو | مریم حسینی  
لیلا عبدی خجسته / سمیع الله | عبدالجبار رفاعی / محمد سوری | مجید جلیسه | امید طبیب زاده  
الیو برانکافورته / روزبه مصاحب | سید محمد حسین حکیم | آنتونیو پانایینو / لیلی وهرام  
امیرخانی | حیدر عیوضی | زکی نجیب محمود / حمیدرضا تمدن | آریا طبیب زاده | رقیه فراهانی  
حمید عطائی نظری | میلاد بیگدلو | علی راد | سیدرضا باقریان موحد | علی ایمانی ایمنی | جویا جهانبخش

لقبی اشکانی در سرود جان و اشاره‌ای به اصل لغت سارویه و سابقه نام تخت جمشید  
نسخه خوانی (۴۲) | احمدشاد غزنوی و صدر کرمانی | محبوبیت سفرنامه‌های فرنگ ناصرالدین شاه در  
هندوستان متّحده | از نگاه عربی: متفکران معاصر ایران و جهان عرب (۳)  
چاپ نوشت (۲۱) | سلسله مباحث نظری در باب تاریخ ادبیات، براساس آرای رنه ویک (۳)  
سخنان حکمت آمیز زبان فارسی در سفر به غرب | وقفنامه‌ای از آخرین روزهای زندگی شیخ بهایی  
دو گزارش نجومی از کارنامه اردشیر بابکان (۳: ۴-۷؛ ۴: ۶-۷) | ماجرا کم کن؛ گزارش بیتی از حافظ  
آینه‌های شکسته (۱۱) | داستان احیای اندیشه فلسفی در مصر | یادداشت‌های لغوی و ادبی (۶)  
اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر | «و سخت عجب است کار گروهی از  
فرزندان آدم!» | کتابی با عنوان حاصل الترجمان؟ | طومار (۱۳) | فیض گفتار نجف

کتاب شناسی دبیرستان البرز تهران

**نکته، حاشیه، یادداشت**

**پیوست آینه پژوهش:** ♦ قنیه الفتیان

♦ یادنامه استاد موسی اسوار



پرتال  
دوماهنامه  
آینه پژوهش

Jap.isca.ac.ir

## سنگر مقاومت یا مجلس شراب؟

نمایش چهرهٔ عریان روشنفکران دههٔ ۵۰ بغداد در رمان پنج صدا

نرگس قندیل زاده

### اشاره

یکی از رمان‌های غائب طعمه فرمان، نویسندهٔ عراقی که استاد موسی اسوار آن را به فارسی برگردانده، رمانی با عنوان پنج صدا است. این رمان پنج شخصیت اصلی دارد که نمایندهٔ روشنفکران عراقی در اواخر دوران سلطنت، در بغدادند. هدف این مقاله معرفی بستر تاریخی رمان و الگوی ساختاری آن است. در سال ۱۹۵۴ و هنگام سلطنت ملک فیصل دوم، طغیان دجله به تحولات سیاسی مهمی چون سقوط دو کابینهٔ پیاپی و نخست‌وزیری مجدد نوری سعید، برگزاری آزادترین انتخابات پارلمانی، انحلال مجلس برآمده از این انتخابات و برگزاری انتخابات غیردموکراتیک با طرح و توطئهٔ نخست‌وزیر مقتدر و فرمان‌شاه، سرکوب مخالفان، تعطیلی روزنامه‌ها و تصفیهٔ کارمندان دولت انجامید. این رمان، پنج شخصیت اصلی را از پیش از واقعهٔ سیل تا پس از سرکوب دنبال می‌کند و نشان می‌دهد که آفت زندگی فردی و اجتماعی ایشان انفعال است و الکل و البته تحلیل مسائل اجتماعی صرفاً از دریچهٔ منابع فکری و فرهنگی بیگانه (ادبیات غرب و روسیه). راوی در دو بخش میانی و پایانی رمان دانای کل مطلق است و در بقیه، دانای کل محدود. نویسنده این اثر را در ۳۷ بخش، با الگویی چرخان و تکرارشونده، یادآور الگوی موسیقایی روندو، تنظیم کرده و به یک شخصیت که به نظر می‌رسد بیشترین همدمی را با او دارد، نقش کلیدی داده است. به‌رغم مرد بودن همهٔ شخصیت‌های اصلی، روایت از صدای زنانه نیز بی‌بهره نیست.

طغیان دجله در ماه مارس ۱۹۵۴ از جمله عوامل بی‌ثباتی سیاسی و تغییر چند کابینهٔ عراق شد. انتخابات پارلمانی در ماه ژوئن همان سال نسبت به همهٔ دوره‌های پیشین آزادتر بود و باعث راهیابی تعدادی از مخالفان به مجلس شد. اما ملک فیصل دوم و نخست‌وزیرش، نوری سعید، آن مجلس را منحل و در ماه سپتامبر، انتخابات مطلوب خود را برگزار کردند (برای اطلاع بیشتر، رک: Bishop, 2013 . P. 313).

غائب طعمه فرمان (۱۹۲۷ - ۱۹۹۰)، مانند بسیاری از روشنفکران چپ‌گرای عراقی، در هر دو دورهٔ سلطنت و جمهوری، از مخالفان حکومت بود. وی سی سال پایانی عمر را در مسکو گذراند و در

سال ۱۹۶۳، دولت عبدالسلام عارف تابعیت عراقی او را سلب کرد (شعبان، ۲۰۲۵، ص ۴). رمان پنج صدا (چاپ ۱۹۶۸)، دومین رمان فرمان است. درباره اهمیت تاریخی آثار فرمان، نقل سخنی از عبدالرحمن منیف (۱۹۳۳-۲۰۰۴)، نویسنده بزرگ سعودی، کفایت می‌کند: «هر کس می‌خواهد تاریخ عراق در دهه‌های میانی قرن بیستم را بشناسد، باید رمان‌های او را بخواند.» (همو، ص ۳). پنج صدا فضای اجتماعی و سیاسی بغداد و استیصال مردم و روشنفکران را در آشفتگی‌های اواخر عصر سلطنت عراق، و به صورت خاص در سال ۱۹۵۴، نشان می‌دهد.

کتاب از ۳۷ بخش تشکیل شده است. ۳۵ بخش آن با شماره‌های «اول» تا «پنجم»، برابر با شمار شخصیت‌های اصلی رمان، نام‌گذاری شده و به صورت نامنظم در پی هم آمده‌اند. در هر یک از این بخش‌ها، راوی دانای کل محدود رویدادها و شخصیت‌ها را از دید یکی از آنان روایت می‌کند.

اما در دو بخش درخشان میانی «آن پنج تا» و پایانی «پنج صدا»، این محدودیت از میان می‌رود، راوی به دانای کلی مطلق بدل می‌شود و ما را به کارناوالی تمام‌عیار از تفسیرهای گوناگون زندگی و شیوه‌های رویارویی با آن می‌برد؛ کارناوالی با حضور هر پنج شخصیت: سعید، ابراهیم، شریف، عبدالخالق و حمید.

توصیف راوی از شرایط و فعالیت‌های این مردان نشان می‌دهد که ایشان سخت مقهور و تحت سلطه‌اند و فعالیت از آن مکان‌ها و اشیا و پدیده‌های گوناگون است. کوچه‌ها و خیابان‌ها، مثل پاهای اختاپوسی وحشتناک، سعید را به یکدیگر پرتاب می‌کنند و او درها را می‌بیند که بعضی پابره‌اند و بعضی پادری دارند؛ شیشه شراب حمید نزدیک است به گریه بیفتد و قهر کند و گاهی حتی چون بتی کوچک منتظر آیین عبادت اوست که دارد بیهوده به انگشتانش نهیب می‌زند که نباید بلرزد؛ کُت عبدالخالق را می‌پوشد و هیاهوی نامفهوم گره‌ای می‌شود از برآمدگی‌های نوک‌تیز که بر اعصاب او می‌غلطد و آجرفرش شهرداری صدای پایش را مثل قهقهه‌ای از سر تمسخر انعکاس می‌دهد... و درنهایت، همه این مقهوران را با هم فقط در مجلس شراب است که می‌یابیم. همگی، بیش‌وکم، در مواجهه با هر معضل فردی و اجتماعی به الکل پناه می‌برند.

در میان شخصیت‌های اصلی رمان، هیچ زنی نیست. اما این به معنی بی‌اعتنایی به مسئله زنان نیست. ابراهیم با تذکر علیاء، دختری دانش‌آموز و آگاه و مطالبه‌گر که زن عراقی را مظلوم و بی‌صدا می‌داند، به فکر ایجاد صفحه مخصوص زنان در روزنامه با دبیری یک زن می‌افتد. عبدالخالق نسبت به وضعیت زن عراقی حساس است و او را هم‌شان مرد می‌خواهد. در میان شخصیت‌های فرعی، علاوه بر علیاء، زنان دیگری هم هستند که نویسنده به هر یک صدایی برای

شنیده شدن داده است: درس خوانده و تصمیم گیر (سلمی، محبوبه حمید)؛ درمانده و ستم‌دیده (حلیمه، همسر حمید)؛ روسپی و بینوا (صبریه، معشوق شریف).

در جهان چندآوایی پنج صدا، پنج شخصیت یک به یک به صحنه می‌آیند و در گفت‌وگویی پیوسته با یکدیگر قرار می‌گیرند. این پنج دوست دغدغه‌هایی کم‌وبیش مشترک دارند، اما هر یک نغمه خاص خود را می‌نوازد و البته در ساختار چرخان و بازگشتی الگوی موسیقایی «روندو» (Rondeau/Rondo) (برای اطلاع بیشتر، رک: <https://www.britannica.com/art/rondeau>)، موقتاً از صحنه می‌رود و پس از تحوّل باز می‌گردد. به این ترتیب، در پایان هر بخش، روایت متمرکز بر دنیای یک شخصیت تمام نمی‌شود، بلکه موقتاً به پایان می‌رسد تا در نوبتی دیگر آغاز شود. میان این بازگشت‌های مکرر، نوعی تناوب منظم و هماهنگی در دل ناهماهنگی برقرار است و هیچ صدایی بر دیگری برتری نمی‌یابد.

با این حال، صدای سعید، بدون هیچ چیرگی بر صداهای دیگر، بیت ترجیع‌رمان است. از ۳۷ بخش روایت، ۱۲ بخش طولانی‌تر با عنوان واحد «اول» به دنیای او تعلق دارد. او تنها شخصیتی است که سنّ و سالش را به درستی می‌دانیم: درست هم‌سنّ غائب طعمه فرمان. با درک محوریتی سعید و شناختی که در طول مسیر از شخصیت‌ها به دست می‌آید، تقدیم‌نامه نویسنده در آغاز کتاب معنای روشن‌تری می‌یابد: «به دوستانم، در کشمکش خود، با خود، و با دیگران».

سعید هم از نظر بدنی ضعیف است و هم هنگام نیاز به تصمیم‌گیری‌های دقیق و قطعی و حتی پس از انجام کار، دچار تردید می‌شود. او که سابقه حبس در زندان جدیدالتأسیس ابوغریب را دارد، در روزنامه چپ‌گرای «الناس» سرمقاله می‌نویسد و در ستون «افکار عمومی»، شکایت‌ها و نامه‌های مردم را بازتاب می‌دهد که امید و اعتماد فراوان به قدرت روزنامه‌نگاران دارند. او به ماکسیم گورکی و مارک تواین ارادت دارد، می‌کوشد جنایت و مکافات را به انگلیسی بخواند، شخصیت‌های فلوربر را همچنان زنده می‌داند و به شباهت خود و دوستانش با شخصیت‌ها اما بوری پی می‌برد. سعید در مقاله‌ای با عنوان «محنت روشنفکران» دغدغه‌های ایشان را چنین برمی‌شمارد: سایه همیشگی تهدید، نگاه پراز سوءظنّ حاکمان، زندگی فرهنگی با هنجارهای تحمیلی و فعالیت مقید به خطوط قرمز و تابوها. سعید یک پرسش محوری هم دارد: چرا سطح نارضایی عمومی به نقطه جوش کنشی جمعی نمی‌رسد؟

پنج بخش موسوم به «دوم» به ابراهیم اختصاص دارد؛ دبیر تحریریه همان روزنامه که به تأثیر اجتماعی روزنامه‌نگاری و امکان تغییر معنادار از این راه ایمان دارد. او در رشته حقوق درس

خواننده است و زبان انگلیسی را خوب می‌داند و در کنار مطبوعات عراقی، آبزور<sup>۱</sup> نیز می‌خواند. ابراهیم روز را با تحلیل و تحریر اخبار و شب را با مباحث پُرشور در محافل شادخواری دوستان به پایان می‌برد. در یادآوری کوتاهی درمی‌یابیم که در دوران نخست‌وزیری نورالدین محمود (۱۹۵۲-۱۹۵۳) محاکمه شده و از مهلکه جان به در برده است. وی معتقد است که مشکل روشنفکران نه مطالعه که شناخت زندگی است و جامعه به متفکران عمل‌گرا نیاز دارد.

نام هفت بخش «سوم» است و در عوالم شریف؛ شاعری فقیر و آواره و عاشق پیشه و خیال‌باف که نه شغلی دارد و نه خانه‌ای. او خود را «بودلر زمان» می‌نامد و از جذابیتش برای زنان بسیار می‌لافد، ولی در عمل پایش فقط به «نجیب‌خانه» باز می‌شود و از آنجا که مانند بودلر دغدغه بیچارگان را دارد، می‌کوشد زن بینوای اهل آنجا را هم با بودلر آشنا کند. شریف معتقد است که ریشه نابسامانی جامعه در کار بیهوده زیاد و سخن نغز اندک است و مردم بیش از هر زمان به فیلسوف و اندیشمند نیاز دارند.

پنج بخش «چهارم» درباره عبدالخالق است. او نویسنده است و کارمند دولت و زندگی‌اش را روز واحد و درازی می‌پندارد با کاری مکز، و مدام سخن بالزاک را به یاد می‌آورد درباره خرابی که آسیاب اجتماع را می‌چرخاند. وی به سعید توصیه می‌کند فاکنر را به زبان انگلیسی بخواند و خود در احوال مخلوقات عجیبی که مردم اند دقیق می‌شود و می‌خواهد چیزی نظیر در جستجوی زمان از دست رفته پروست بنویسد، ولی برخلاف پروست جز مساحتی بسیار اندک از خوابگاهی مشترک جایی و چیزی ندارد؛ نه میزی برای تحریر و نه جایی برای نگه داشتن یادداشت‌ها. عبدالخالق تنها کسی است که در مصیبت طغیان دجله، با تنها لباسی که دارد، عملاً به یاری مردم می‌رود و در میان سایر امدادگران، خود را در «لحظه روشن هم‌آوایی در آوای همگانی» می‌بیند. او در سیل بیم و امید ناشی از تحولات سیاسی و اجتماعی پس از فاجعه سیل و در انتخابات ژوئن ۱۹۵۴، امید و شادی بیشتری دارد و به فردای نوجوانان دبیرستانی می‌اندیشد. اما دو ماه بعد، با انحلال مجلس و برگزاری انتخابات غیردموکراتیک، امیدش را به مردم هم از دست می‌دهد.

حمید شخصیت اصلی شش بخش «پنجم» است. این کارمند سخاوتمند و خوش‌مشرّب بانک روشنفکری دموکرات مآب است و برای گواتمالا و پاکستان دل می‌سوزاند و درباره روشنفکران بی‌عمل عراقی نظریه پردازی می‌کند. او درباره پذیرفتن انتقالش به روستایی دورافتاده، با استناد به کتاب چخوف می‌گوید که زندگی در روستا نکبت‌بار است. حمید هر شب به شراب خواری با دوستان

مشغول است و پس از آن هم تا دیروقت در خیابان‌ها پرسه می‌زند. وی درصددِ خواستگاری از یک همکار زیباروست، ولی ناگهان فقط سعید و خواننده و البته آن زن با شگفتی درمی‌یابند که او متأهل است و به‌زودی سومین فرزندش هم مثل دو کودک قبلی از بیماری و گرسنگی خواهد مرد.

و اما دو بخش «آن پنج تا» و «پنج صدا» دو لحظهٔ اوج و تراکم حادثه و عرصهٔ آزمون عملی شخصیت‌هایند. در بخش «آن پنج تا» ست که دجله طغیان می‌کند و زندگی مردم را زیر آب می‌برد. اینجا عرصهٔ عمل است. عبدالخالق به راه می‌افتد و همهٔ دیگران را به یاری فرامی‌خواند و در نهایت، فقط خودش به میان مردم می‌رود. سعید خبرنگار به دعوت آمریکایی‌ها و سوار بر هلی‌کوپتر آنان، محنت و فلاکت را از بالا می‌بیند و البته از قبول دعوت پشیمان می‌شود. ابراهیم در ساختمان روزنامه خود را ناخدای کشتی رسانه می‌بیند و درصددِ است که حاکمان فاسد و بی‌لیاقت را رسوا کند. شریف فقط برای دیدن دختر رؤیاهایش به نزدیکی محل فاجعه می‌رود و چون او را نمی‌یابد، به نجیب‌خانه می‌رسد. حمید دائم‌الخمر برای فرار از صدای نالهٔ زن و فرزند، گریز از تنهایی و به‌قصد یافتن همکار زیبارو که همان جاها خانه دارد، با عبدالخالق همراه می‌شود، ولی با عطش شراب از آنجا می‌گریزد.

۶۵۳

آینه پژوهش | ۲۱۴  
سال ۳۶ | شماره ۴  
مهر و آبان ۱۴۰۴

بخش «پنج صدا» هم در انتهای روایت عرصهٔ فاجعه‌ای همگانی است. تنگنای تصمیم‌گیری دربارهٔ تحریم انتخابات یا شرکت در آن، به‌قصدِ ابراز مخالفت با نخست‌وزیر، به پایان می‌رسد و سرکوب مخالفان و تعطیلی روزنامه‌ها و اخراج برخی کارمندان به بهانه‌های واهی سعید و ابراهیم و عبدالخالق را بی‌کار می‌کند. سعید که مصائب خانوادگی هم دارد و نه در آموختن تایپ توفیقی دارد و نه در فروش کتاب‌هایی نظیر مجموعهٔ آثار داستانیوفسکی، فرار را ترجیح می‌دهد و برای یافتن شغل معلمی به سوریه می‌رود تا سربار پدر بیمار نباشد. عبدالخالق با ایده‌ای که از کتاب نفوس مردهٔ گوگول گرفته درصددِ خرید فهرست اسامی کشاورزان مردهٔ روستایی است. ابراهیم در رشتهٔ حقوق درس خوانده و امید دارد وکیل شود و به همسرش هم انگلیسی درس می‌دهد. شریف خود را در خوابگاهی با بسیار کسان دیگر می‌یابد و راه به جایی نمی‌برد. حمید هم که نزد محبوب رسوا و از عشق ناامید شده، با افراط در مصرف الکل شغلش را از دست می‌دهد و خانه‌اش را هم به فروش می‌گذارد.

اما به نظر می‌رسد که در انتهای تونل، نوری هست. تنها شخصیت‌های منزه کتاب که می‌توان بدیشان امید بست، دو شخصیت فرعی‌اند: طالب و مختار. طالب، دوست دبیرستانی سعید، روشن‌فکر و کمونیست است. مدّت‌هاست که زندانی است و همچنان بر اعتقاداتش پای می‌فشارد. مختار برادر سعید است؛ جوانی رشید و تندرست که لب به الکل نمی‌زند و با نیکوترین جلوه درست در صحنهٔ آخر و صفحهٔ آخر ظاهر می‌شود.

## نتیجه گیری

این مقاله به بررسی دقیق نگاه نقادانه غائب طعمه فرمان به طبقه روشنفکر عراق در دهه حساس ۱۹۵۰ از طریق رمان پنج صدا اختصاص دارد. تحلیل نشان داد که فرمان با بستر قراردادن وقایع سال ۱۹۵۴ (از جمله طغیان دجله، انتخابات نسبتاً آزاد و انحلال مجلس)، استیصال و ناکارآمدی طبقه‌ای را به تصویر کشیده که با وجود آگاهی تاریخی، دچار انفعال و گریز فکری شده است. نویسنده به طور مشخص، اعتیاد به الکل را نماد تسلیم عملی و تغذیه صرف از منابع فکری خارجی را نشانه انحراف از عمل‌گرایی سیاسی می‌داند. با این حال، نقد فرمان کاملاً نامیدانه نیست؛ وی با معرفی شخصیت‌های فرعی متعهد (مانند زندانی مبارز و نوجوان درستکار)، نور امید به کنش سیاسی روشنفکری می‌تاباند. از منظر ساختاری، شیوه سازماندهی روایت با الهام‌گیری از الگوی موسیقایی روندو، بستری است برای اینکه نویسنده در هر بازگشت، نقد خود را عمیق‌تر سازد. ناگفته نماند که شرایط پیچیده زن عراقی در آن دوره نیز در ساختار این رمان بازتاب یافته است. در نهایت، این رمان را می‌توان یک سند انتقادی برجسته دانست که با طرح مسئله دانش عقیم در مجلس شراب، نقد عمیقی به نسل روشنفکران یادشده می‌کند. پژوهش حاضر نشان داد که پنج صدا صرفاً یک روایت از یک دوره نیست؛ بلکه بیانیه فکری و انتقادی فرمان درباره مسئله تعهد است. این تحلیل می‌تواند زمینه‌ساز مطالعات آینده درباره چگونگی بازتاب تقابل‌های فکری - عملی در آثار دیگر رمان‌نویسان عراق، خصوصاً نویسندگان نسل اول، باشد.

## منابع

شعبان، عبدالحسین؛ «غائب طعمه فرمان مهندس الرواية البغدادية»، دوریه آفق، مؤسسه الفکر العربي، ۲۰۲۵.

غائب طعمه فرمان، خمسة أصوات، دمشق: دار المدى للثقافة والنشر، ۲۰۰۸.

غائب طعمه فرمان، پنج صدا، ترجمه موسی اسوار، تهران: هرمس، ۱۳۹۹.

Bishop, Elizabeth. (۲۰۱۳). Democracy and monarchy as antithetical terms? Iraq's elections of September ۱۹۵۴. *Studia Politica: Romanian Political Science Review*, ۱۳(۲), ۳۱۳-۳۲۶

<https://www.britannica.com/art/rondeau>